

میزگرد نشریه ایسکرا در رابطه با اول ماه مه روز جهانی کارگر



ناصر اصغری،
نسان نودینیان،
یدی محمودی،
مینا بهروزی،
عزیزه لطفی،
رحیم یزدانیپرست
و سلیمان سیگارچی
به سؤالات ایسکرا
پاسخ میدهند



۲۴ فروردین ۵۸ و حاکمیت شورایی در کردستان

عبدال گلپریان

شرکت فعالانه توده های مردم قیام کننده و نقش فعالین کمونیست برای دخالت و شکلگیری شوراها در کردستان، سنگ بنای خواست و مطالبات قیام مردم برای ایجاد ساختار شورایی و اعمال اراده حاکمیت شورایی در سال ۵۷ بود. جریان اسلامی تازه به قدرت رسیده خمینی هنوز قادر نشده بود شوراها را که در بسیاری از شهرها و مراکز کارگری تشکیل شده بودند درهم بکشد. ارتجاع اسلامی که با کمک دول غربی و با همکاری ارتش دست نخورده شاهنشاهی و برخی از پس مانده های رژیم سلطنت به قدرت خزید، به دو سال و نیم وقت نیاز داشت تا در سی خرداد شصت با تمام قدرت به شوراها و به آرمانه های انقلاب مردم حمله کند. شهرهای کردستان درگیر جنگی بود که تازه بقدرت رسیدگان اسلامی آنرا به مردم تحمیل کرده بودند.

روز دوم فروردین سال ۵۸ جلسه ای با شرکت شورای موقت انقلاب و به ریاست وزیر کشور تشکیل میشد. در این مذاکرات تصمیم گرفته میشد که شورایی برای اداره امور شهر سنندج از طریق انتخابات عمومی تعیین شود. این خواست را نیروهای انقلابی و مردم کردستان به شورای انقلاب تحمیل کردند. در این مذاکرات مقرر می گردد که ژاندارمری، شهرستانی، شورای انقلابی سنندج، ستاد انقلاب اسلامی منحل شود و ارتش نیز حق عبور مرور در شهر را نداشته باشد. بدین ترتیب تا انتخاب

شورای شهر سنندج و بطور موقت کمیته ای مرکب از ۲ نفر از نمایندگان نیروهای چپ، ۲ نفر از نمایندگان جریانات اسلامی و نماینده ای از سوی طالقانی انتخاب شدند.

روز سوم فروردین ۵۸ میتینگ بزرگی با شرکت دهها هزار نفر در میدان اقبال سنندج برگزار شد. در این میتینگ هیئت دولت، آزادی زندانیان در پادگان، مجازات محرکان و عاملان کشتار سنندج، رفع کامل سانسور دولتی از رادیو تلویزیون و تامین جانی و شغلی نظامیان را تضمین کرد. در این میتینگ بنی صدر به هنگام سخنرانی اش خودمختاری را سر آغازی برای تجزیه طلبی عنوان کرد. مردم حاضر در میتینگ با سردادن شعارهای پی در پی به او امکان سخنرانی اش را ندادند.

در بحبوحه وقایع کردستان، روز ۵ فروردین ۵۸ يك میتنگ از سوی كانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن برای طرح خواستهای خود و پشتیبانی از مردم سنندج برگزار شد. این میتینگ علیرغم اینکه اطلاع رسانی شده بود و از سوی دولت موقت برای برگزاری آن تضمین داده شده بود، اما با نقشه از پیش طرح ریزی شده توسط عوامل مسلح کمیته، جریان مذهبی خمینی به گلوله بسته شد.

برخلاف شهر سنندج که در ظاهر امر هیئت حل اختلاف بدانجا فرستاده میشد، هیچ گونه اقدامی برای رسیدگی به خواستهای مردم ترکمن انجام

صفحه ۴

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

مینا بهروزی

نگاه هفته

صفحه ۶

پروین معاذی

به مقامات ذیربط دولت ترکیه
رونوشت به کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل
در باره خطر اخراج ۵ پناهجوی ایرانی ساکن ترکیه

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کمیپن برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

میزگرد نشریه ایسکرا در رابطه با اول ماه مه روز جهانی کارگر

ایسکرا: به روز جهانی کارگر نزدیک می شویم. فعالین و تشکلهای کارگری در تدارک برگزاری این روز هستند. محور اصلی مطالبه کارگران که مطالبه تمامی مزدبگیران است، طرح دستمزد بالای ۱۲ میلیون تومان است. دست یابی به این خواست تا چه حد عملی و ممکن است؟



ناصر اصغری: در مبارزه سیاسی هر چیزی همانقدر عملی و ممکن است که برایش تلاش کنی. مطالبه ۱۲ میلیون تومان حداقل دستمزد مطالبه لوکسی نیست. امروز یک خانواده کارگری با دستمزدی کمتر از این حداقل به معنای واقعی کلمه زندگی نمی کند. آنچه که در ایران معنای "زندگی" به خود گرفته، در واقع هیچ شباهتی به زندگی ندارد. آدمها، از زن و کارگر و معلم گرفته تا پرستار و دانشجو و دست فروش، احساس می کنند که در یک تله و زندان بزرگ گیر کرده اند. دید و بازدید برای آدمها، با فقری که گریبان جامعه را گرفته، یک عمل شاق شده است. آدمها شب و روز دعا می کنند که پایشان به دکتر و بیمارستان نکشد و کارشان به دوا و معالجه نرسد. مسافرت را دیگر فقط در داستانها می خوانند. ازدواج و تشکیل خانواده خودش یک معضل مشکل ساز شده است. یک مبلغی را که بعنوان دستمزد تعیین می کنند، که عدد آن حتی می تواند ظاهر بزرگی هم داشته باشد، قدرت خرید هیچ چیزی را ندارد. آجیل و میوه را کرایه می دهند که مردم با آن عکس بگیرند! این بطور خیلی خلاصه وضعیتی است که یک جامعه ۸۰ میلیونی در آن گیر کرده است! و درست به همین خاطر جنبش کارگری امسال در شرایط کاملا ویژه ای درگیر مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد است. جامعه در حالت انفجاری است و رژیم اسلامی در ورشکستگی کامل به سر می برد.

این موضوع فعالین کارگری میدانی را در یک موقعیت بهتری برای رهبری مبارزات کارگران برای مطالبه افزایش حداقل دستمزد قرار می دهد. در مبارزه سیاسی در جامعه ای که شرایط امروز ایران را ندارد، معمولا فعالین کارگری با وجود اینکه فعالیتهای مهمی که داشته اند و رهبری هایی که کرده اند به فعال و رهبری کارگری تبدیل شده اند، باز هم باید سعی بیشتری بکنند تا کارگران را به مطالبه خاصی ترغیب کنند. اما در شرایط ویژه ایران کارگران هم اکنون قانع و ترغیب شده و در میدانند. با این همه هنوز فعالین کارگری احتیاج به اتحاد عمل و کنار گذاشتن اختلافات جزئی ای و بعضا هم سیاسی عمده ای، که هر فعال کارگری می تواند با دیگری داشته باشد، کارگران را به یک مبارزه متحد و سراسری برای مطالبه کردن حداقل دستمزد ۱۲ میلیونی به میدان بیاورند. جمهوری اسلامی، به نظر من، گرچه همیشه از حربه سرکوب و زندان و اذیت و آزار فعالین کارگری استفاده کرده که کارگران را پراکنده نگه دارد و حداقل دستمزد را در یک چنین سطحی نگه دارد، اما از عدم اتحاد عمل کارگری کارا در میان فعالین کارگری هم استفاده خودش را برده است.

یک موضوع دیگر که می تواند به اتحاد سراسری حول حداقل دستمزد ۱۲ میلیونی کمک کند، ارتباط فعالین و رهبران کارگری محیط کار بیشتری است که یک هماهنگی بین آنها به وجود بیاید. یک ارتباط و هماهنگی بین کارگران مراکز مختلف، معلمان، پرستاران و دیگر جنبشهای اعتراضی به وجود بیاید که قدرتمند در این مبارزه ظاهر شوند. واقعیت امر این است که هر چه جنبش کارگری قدرتمند باشد، هر قدر کارگران بتوانند یک مطالبه مهمی مثل حداقل دستمزد ۱۲ میلیونی را به دولت تحمیل کنند، به مبارزه زنان، کودکان کار و خیابانی، معلمان، فعالین محیط زیست و غیره کمک می کند. اینها بطور خلاصه نکاتی است که فکر می کنم به ممکن و عملی بودن

مطالبه حداقل دستمزد ۱۲ میلیونی کمک خواهد کرد.

ایسکرا: هر سال روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان علاوه بر صدور قطعنامه و بیانیه های متعدد، ابتکارات مختلف دیگری نظیر جشن و پخش شیرینی و شعار نویسی بکار برده میشود. انتظار شما از فعالین کارگری و دیگر فعالین عرصه های اجتماعی در هر چه باشکوه تر برگزار کردن روز جهانی کارگر در محلات و مکانهای دیگر چیست؟



نسان نودینیان: برگزاری مراسمهای روز جهانی کارگر در کردستان سابقه ای بیش از چهار دهه دارد. بخشی از عرصه مبارزه کارگران و فعالین اجتماعی است. جشن روز کارگر برای مردم کردستان همچنین روز جهانی زن امری آشنا است. تعداد زیادی از فعالین اجتماعی و کارگری هر سال برای این دو روز فعالیتهای ویژه خود را شروع میکنند و برگزاری مراسم و جشن روز کارگر و روز جهانی زن را امر اجتماعی خود میدانند.

امسال ما برای برگزاری جشن و مراسم روز کارگر با دشواری های متعدد اجتماعی روبرو شده ایم. پاندمی کرونا همچنان بشکل فاجعه باری ادامه دارد. ابتلا به کرونا این روزها بیداد میکند. تعدادی از شهرها بویژه سنندج و سقز... قرمز یا نارنجی هستند. رعایت فاصله های اجتماعی را اکیدا توصیه میکنیم. با توجه به این دشواری ها و رعایت فاصله های اجتماعی و استفاده از ماسک، در محلات برگزاری مراسم و جشن های روز کارگر را توصیه میکنیم. فعالین کارگری و اجتماعی سنتا با برپایی گلگشت و جمع شدن در مکانهای تفریحی جشن روز کارگر را برگزار میکنند. این سنت و برگزاری در مناطق تفریحی عملا به

تعداد معینی از دوستان نزدیک محدود شده است. به نظر من ما امسال میتوانیم جشن های روز کارگر را از مناطق دور افتاده و تفریحی به محلات انتقال دهیم. خود سازمان یابی در محلات را مردم تجربه کرده اند. امسال در چندین محله مراسم های شادی سال نو برگزار شد. اگر چه مراسمی شادی سال نو بار امنیتی کمتری به نسبت برگزاری روز کارگر دارد.

برگزاری جشن و مراسم روز کارگر در محلات در گرو در نظر گرفتن این فاکتور و یا اقدامات عملی هستند. اقدام یکم؛ فعال کردن میدیای اجتماعی و تلاش برای جمع کردن تعداد زیادی از ساکنین محلات از طریق کانالهای تلگرام. اقدام دوم؛ فعال کردن تماسهای فردی و سازماندهی تعداد معینی از جوانان برای تدارک جشن و مراسم. و اقدام سوم و نهایی تبلیغ مستمر و ساده کردن حضور و شرکت مردم محله بویژه زنان و جوانان و درست کردن فضای شاد. و بالاخره تدارک سخنرانی های کوتاه درباره روز جهانی کارگر.

دوره تکرار ملال آور و نسخه های غیر عملی برگزاری روز کارگری سپری شده. قرن بیست و یک قرن بکارگیری ابتکارات اجتماعی است. دوره ای است که عملا قدرت سازماندهی مردمی بالا رفته است. دوره ای است که با استفاده از میدیای اجتماعی امکان عملی برای سازماندهی مردمی ساده شده است. روز کارگر و جمع کردن مردم در محلات فرصت خوبی است برای این آزمون اجتماعی.

در چند سال گذشته محلات مکانهای مناسبی برای خود سازمان یابی مردم شده است. تصرف محلات در شرایط کنونی تاثیرات بسزایی برای سازماندهی و دست زدن به اعتراضات سراسری در سطح شهرها را دارد. تصرف محلات امری اجتماعی است.

تهیه ماتریال برای یک مراسم خوب هم ساده است. برجسته کردن شعارهایی که در اعتراضات کارگران، معلمان و باننشسته ها این روزها فریاد زده میشود. «افزایش حداقل دستمزد به بالای ۱۲ میلیون درماه»، «دستمزد توسط خود کارگران باید تعیین گردد». «تحصیل رایگان»، «درمان

رایگان»، «واکسن رایگان برای همه مردم». و خواستهای مبارزاتی که در یکسال گذشته از جمله آب شرب و پاکیزه، و جاده ها امن و بیمه بیکاری برای کارگران و جوانانی که فاقد موقعیت شغلی شده اند. و محکوم کردن شلیک به کولبران و... محور سخنرانی ها و شعارهای ما هستند. در یک کلام؛ اول می در محلات را به تربیون کیفرخواست کارگران و مردم علیه نظام برده داری تبدیل کنیم.

ما برگزاری مراسمی روز کارگر در مراکز تولیدی و کارگاه ها را توصیه میکنیم. کارگران در کردستان سنتا در مراکز تولیدی و کارگاه ها مراسم های خودشان را برگزار کرده اند. این سنت مهم کارگری را باید حفظ و در صورتیکه موانع امنیتی و پلیسی خاصی ایجاد نشود توصیه میکنیم برای برگزاری روز کارگر و صدور قطعنامه و اعلام کیفرخواست کارگران علیه سیستم سرمایه و بردگی مزدی تلاش سازمان یافته ای را بدست بگیریم.

ایسکرا: آیا می توان انتظار یک روز جهانی کارگر متفاوت از سال های گذشته را داشت. اگر پاسخ مثبت است فاکتورهای این متفاوت بودن کدامها هستند؟



یدی محمودی: با سلام به شما و همه خوانندگان عزیز نشریه ایسکرا، پیشاپیش اول مه را به همه کارگران و مردم آزادیخواه تبریک می گوئیم و به امید دنیایی عاری از ظلم و ستم. در رابطه با سؤالات جواب من هم آری هست و هم نه، چرا که فکر می کنم اول مه امسال باید در دو سطح بررسی شود، یکی مسله وجود کرونا و اینکه در این شرایط به آسانی نمی توان نیروی هر چه وسیع تری را به میدان آورد و علاوه بر نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی که هر ساله تمام تلاش خودشان را کرده اند که از راهپیمایی های اول

از صفحه ۲ میزگرد نشریه ایسکرا...

کردستان را چگونه میبینید؟



مینا بهروزی: نقش زنان در همه

عرصه های مبارزاتی و همچنین در اعتراضات کارگری بسیار اساسی و حیاتی است. زنان در ایران و همچنین در کردستان معمولاً چه به عنوان کارگر و چه به عنوان عضو خانواده های کارگری در جنبش کارگری حضور دارند. اکثریت زنان چه در سراسر ایران و چه در کردستان به علاوه کار خانگی که کاری بسیار شاق و زمان بر است و خیلی هم حیاتی است اما از لحاظ اجتماعی اصلاً به حساب نمی آید و حقوقی هم دریافت نمی کنند و به اصطلاح

در خدمت خانواده بدون کوچکترین توجهی به آن از طرف جامعه همیشه در جریان است. بسیاری از زنان کار مزدی و یا کار رسمی هم دارند. زنان در جامعه ایران تحت ستم چندگانه قرار دارند: ۱- ستم جنسیتی، به خاطر زن بودنشان محروم از حق آزادی پوشش، و بسیاری دیگر حق و حقوق انسانی را از آنها گرفته و حجاب اجباری به عنوان يك زندان سیار به آنها تحمیل می شود. ۲- به عنوان همسر و مادر شبانه روزی در حال کار کردن هستند و وقت استراحت کافی را ندارند همیشه آخرین نفرند که می خوابند و اولین نفرند که بیدار می شوند. هیچ حقی بر اموال زندگی مشترک ندارند. او کارگر بدون مزدی است که برده وار کار می کند و معمولاً تصمیم گیرنده نیست عمدتاً فقط يك خدمتکار است. ۳- زن در جایگاه کارگر مزد بگیر که حتی وقتی که همسر در قید حیات نیست و یا معتاد است باز هم به جای اینکه این زنان را سرپرست خانواده به حساب بیاورند آنها را زنان بی سرپرست مینامند. بنابر این چون به عنوان سرپرست خانواده قبولشان ندارند از پرداخت حقوق برابر به آنها خود داری می شود. پس اینجا هم میبینیم استثمار شدیدتر

مه جلوگیری کنند و حتی در بسیاری از شهرهای کردستان نوعی حکومت نظامی برپا کنند و البته همیشه هم شکست خورده اند، امسال ما در شرایطی به استقبال اول مه می رویم که کرونا همچنان در میان مردم تلفات سنگین میگیرد و بی مسئولیتی و بی برنامهگی حکومتیان اوضاع را نسبت به بسیاری از کشورهای جهان چندین برابر برای مردم سخت تر کرده و متأسفانه همین مسئله هم خود می تواند مانعی جدی در به راه اندازی اول مه های بزرگ و باشکوهی در بسیاری از شهرهای ایران باشد.

اما فاکتورهای دیگری هم هستند که می تواند اول مه امسال را به يك روز بسیار متفاوت و تعرضی به مسببین فقر و فلاکت، گرانی و بیکاری، حقوقهای چندین برابر زیر خط فقر تبدیل کند. اول مه امسال بر متن اعتراضات گسترده کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران که امروزه در بدترین شرایط زیستی بی باکانه تن به مقابله با کرونا داده اند، پیش می رود و خود این اعتراضات می تواند در اول مه صدای بسیار یکپارچه تر و متحدانه تری به خود گیرد. من گفتم متأسفانه کرونا شاید این امکان را ندهد که مردم در سطحی وسیع به خیابان بیایند، اما شرایط امروز و وجود میدیای اجتماعی، صف وسیعی از رهبران جسور و آگاه کارگری، صف زنان متنفر از نظم موجود و بودن يك حکومت آپارتاید جنسی رسمی و وجود يك حکومت جانی و چپاولگر که کوچکترین مسئولیتی در قبال شهروندانش ندارد، آن زمینه ها و فاکتورهایی هستند که می تواند اول مه امسال را بسیار متفاوت کند. به نظر من امسال سال مطرح کردن هرچه وسیع تر و یکپارچه تر قطعنامه هایی است که بتواند توده هرچه وسیعتری از مردم را به اعتراض و مبارزه فرا بخواند و در يك کلام اول مه امسال می تواند در ایران اول مه ۹۹ در صدیها علیه يك درصدیهای دزد و چپاولگر باشد.

ایسکرا: جایگاه، نقش و حضور زنان بویژه در اعتراضات کارگری در سطح سراسری و در شهرهای

است و در مقابل کار برابر مزد پاینتی به او تعلق می گیرد. در مبارزه و اعتراضات کارگری نقش پیشرو را دارد او چیزی را ندارد که از دست بدهد به غیر از زنجیر دست و پایش. وقتی کارگران مرد به خاطر مبارزات و اعتراضات دستگیر می شوند این زنان هستند که نقش پدر را هم برعهده گرفته و در اعتراض و مبارزه برای آزادی کارگران در جلو زندان ها هم تجمع کرده و به دنبال آزادی همسران هم هستند. در حقیقت زنان رکن اساسی اعتراضات در مبارزات کارگری هستند در چندین جبهه باید برعلیه نابرابری، مردسالاری، بی حقوقی و آزادی بکنند. بدون حضور فعال زنان هیچ مبارزه ای به پیروزی نمی رسد.

ایسکرا: کدام فاکتورها در

اعتراضات کارگری در سال ۹۹ برجسته بود و روز جهانی کارگر و روزهای بعد از آن مطالبات محوری کدامها هستند؟



رحیم یزدانپرست: افزایش

دستمزد و طرح یکسان سازی و مجمع عمومی گفتمان روز جهانی کارگر و یا اول ماه مه و روزهای بعد از آن را می توان اصلی ترین و محوری ترین خواستهای کارگران دانست. همه ما شاهد فقر، گرانی و بیکاری در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هستیم و برای رفع این مشکل افزایش دستمزد به میزان تورم یکی از خواستهای طبقه کارگر و نیروی کارکن برای قزقرذایی تبدیل شد. مجمع عمومی سنت جا افتاده ای در جنبش کارگری است. در مجامع عمومی کارگران است که می توان و باید در مورد تعیین دستمزد تصمیم گیری شود. حق اعتصاب، حق تشکل و بسیاری از مطالبات دیگر هر روز و در میان بخشهای مختلف جامعه و در راس آنها کارگران، مخصوصاً کارگران هفت تپه، فولاد اهواز و نفت به

شکل مختلف مطرح و برای بدست آوردن آن تلاش و مبارزه شد است. ما شاهد تجمع و اعتراض مختلف کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و... برای به کرسی نشاندن این خواست ها و خواست لغو خصوصی سازی در هفت تپه بوده ایم. پیش بسوی برگزاری اول ماه مه خوب و موفق در سال ۱۴۰۰ با طرح خواست های روشن و رادیکال، صدور قطعنامه هایی که مطالبات کل جامعه را بازتاب دهد و خواست افزایش حقوق های بالای ۱۲ میلیون در سال جدید.

ایسکرا: هیچگاه زنان خانه دار

به عنوان بخشی از نیروی کارکن جامعه که حتی دستمزدی دریافت نمی کنند محسوب نشده اند. فاکتورهایی که نشان میدهد زنان خانه دار بخشی از طبقه کارگر در جامعه هستند کدامها می باشد؟



عزیزه لطفی: غالباً خانه داری

شغل خاص زنان تلقی می شود حتی اگر در پایگاه شغلی همتراز با همسران شاغل باشند.

کار خانگی بدون هیچ گونه قرارداد کاری يك وظیفه محول شده به زنان است که با ازدواج با مرد شکل رسمی تری به خود می گیرد. نه از مزد خبری است و نه از میزان مشخص ساعات کاری. نه از محاسبه اضافه کاری خبری هست و نه از حق بیمه و بازنشستگی. ساختار حاکمیت با تاکید به فرهنگ مرد سالار و سنت و دین و توجیه گر نقش اصلی آنان بوده و از کودکی دختران را برای پذیرش نقش فرو دست آماده می کنند و در شرایط حاضر نیز رسانه ها و قوانین بشدت بر طبل ناگزیر و ابدی بودن این نقش برای زنان می کوبند

با وجود تغییر ساختار جنسیتی در مشاغل و حضور زنان در کارهایی که قبلاً مردانه تلقی می شد، کار در خانه به عنوان عنصر ثابت همچنان، سنگینی خود را بر دوش زنان شاغل نیز تحمیل

می کند. در ایران ۸۰ درصد از جمعیت زنان فعال، خانه دار هستند و بدون هیچ گونه مزایا، بیمه و دستمزدی، به کار خانگی ادامه می دهند.

مساله زنانه خواندن کار خانگی، جدای از به صرفه بودن آن برای تولید که هزینه های پرداخت نشده به کار زنان را در بر می گیرد، به همین دلیل مسئولیت های خانوادگی و به ویژه وجود فرزندان خردسال، کار آن ها در خارج از خانه را تحت تاثیر قرار می دهد و آن ها را وادار می کند که برای تثبیت هویت شغلی خود به فشارهای ناشی از کار مضاعف تن در دهند و در عین حال بکوشند به هر قیمت، تعادل لرزان میان تعهداتشان در برابر خانواده و کار را هم حفظ کنند.

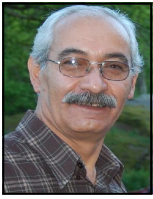
هیچ گونه آماری در مورد درآمد بنگاه های تولیدی در ایران، که نیروی کار خود را از زنان خانه دار تامین می کنند، تاکنون منتشر نشده است.

زنان خود را در معرض داوری همسر، فرزندان، بقیه فامیل و حتی زنان دیگر می بینند و طبیعتاً از این که او را همسری مهربان و باگذشت و خانه دار و آشپزی ماهر قلمداد کنند احساس رضایت می کنند. ولی بلافاصله در سوال بعدی که احساس آنها در نهایت و در پایان روز پس از پایان کار خانگی دچار روزمرگی شده، عمیقاً احساس افسردگی می کنند.

کار خانگی به عنوان استثمار پنهان زیر زرق و برق عناوینی چون، وظیفه مقدس مادری و همسری، مدام در جریان است. کار خانگی کاری است بدون دستمزد آنهم در جامعه ای که ساختار آن بر اساس کار مزدی، تبعیض جنسیتی، قوانین و مقررات زن ستیزانه، رواج فرهنگ مردسالار قرار دارد و خانه محل کارش است، جای دیگر و یا زمانی دیگر برای استراحت ندارد. بابت کاری که انجام می دهد مزدی دریافت نمی کند. بر اساس آنچه عنوان شد می توان نتیجه گرفت که در شیوه تولید سرمایه داری، کارخانگی تحت روابط تولیدی غیر دستمزدی قرار گرفته است و ارزش مصرف تولید می کنند. سرمایه از رهگذر کارخانگی، در خانه نیروی کار را با

از صفحه ۳ میزگرد نشریه ایسکرا...

۲۴ فروردین و حاکمیت شورایی در کردستان



منصوب شد.

متعاقب این اوضاع کمیته موقت ۵ نفره‌ای که مامور تدارک انتخابات شورای شهر سنندج شده بود مقدمات انتخابات و شرکت کاندیداها را فراهم نمود. از افراد مستقل، از سازمانهای سیاسی چپ و راست خود را برای نمایندگی در این شورا کاندید کردند.

۲۴ فروردین ۵۸ و انتخاب شورای شهر سنندج روز ۲۴ فروردین ۵۸ علیرغم کارشکنی های دارو دسته ملا احمد مفتی زاده که به روند انتخابات اعتراض داشتند اکثریت عظیمی از مردم سنندج در ۶۸ حوزه انتخاباتی به پای صندوقهای رای رفتند و ۱۱ نفر را بعنوان اعضای اصلی و ۶ نفر را بعنوان اعضای علی البدل انتخاب کردند. آرامش نسبی شهر سنندج و اداره امور توسط شورای شهر زمینه دخالت مردم در اداره امور زندگی خود را فراهم کرده بود. شوراهای محلات یکی پس از دیگری در حال شکل گیری بودند. یک فضای باز، آزاد و سیاسی فراهم شده بود. جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی از این وضع خشنود نبودند. سکان امور در دست مرتجعین تازه به قدرت رسیده و اراذل و اوباش احمد مفتی زاده قرار نداشت. آنها مرتب در صد مانع تراشی در مقابل فضای موجود بودند.

این شورا تا یورش سراسری و فرمان حمله خمینی به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۵۸ به مدت ۵ ماه فعالانه و با جدیت به انجام وظایف خود در رفع موانع و مشکلات مردم گام برداشت. فرمان حمله سراسری از سوی خمینی و دولت موقت به کردستان در به شکست کشاندن انقلاب ۵۷، بخاطر جلوگیری از گسترش این شیوه از حاکمیت شورایی به عنوان یکی از



شده بود در کردستان از سوی مردم، انجمنها، نهادهای دموکراتیک و سازمانهای سیاسی با بی اعتنائی مواجه شد و در آن شرکت نکردند. از سوی دیگر ارتجاع محلی به رهبری ملا احمد مفتی زاده در میان مردم بشدت منفور بود. نیروهای این جریان را تعدادی لمپن اسلامی طرفدار او تشکیل می دادند. مفتی زاده که می کوشید تا موقعیت و قدرتی بدست آورد و به عنوان ابزار سرکوب رژیم به حساب آید، با تحصن خود و هواداران چماق بدست در مسجد جامع سنندج به اذیت و آزار هر کسی که از آن مسیر عبور میکرد میپرداختند. افراد چپ را شناسایی کرده، میگرفتند و در داخل حوض مسجد میانداختند. این کارشان چندان موفق نبود. نیروهای مسلح این جریان مذهبی در تدارک این بودند که به دفاتر نیروهای سیاسی و جمعیتهای دموکراتیک حمله کنند. پشتیبانی مردم از نیروهای سیاسی چپ در سنندج طرح ها و توطئه های این جریان را یکی پس از دیگری نقش بر آب میکرد.

در این گیرودار تمام ماموریت هیئت دولت موقت نه در جهت پایان دادن به درد و مشکلات موجود و تامین خواسته های مردم بلکه تلاشی موقت برای آرام کردن اوضاع بود. در جریان مذاکرات بعدی سرلشکر قرنی به عنوان مسئول کشتارهای تا آن مقطع در سنندج شناخته شد و از کار برکنار و سرلشکر ناصر فرید بجای او

نگرفت. اوباشان مسلح خمینی بمدت ۸ روز بی وقفه به سرکوبی مردم ترکمن پرداختند. تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. مردم کردستان و نیروهای سیاسی که خواستها و مطالبات مردم ترکمن را همسو با خواست و مطالبات خود می دیدند با بیانیتهای مختلف از مبارزات مردم ترکمن حمایت کردند.

اقدام عملی در نتایج این حمایتها، اعزام یک کاروان پزشکی از سنندج به ترکمن بود. جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب روز هشتم فروردین ۵۸ یک کاروان پزشکی و تدارکاتی جهت کمکهای ضروری و اضطراری برای کمک به مردم ترکمن به آنجا فرستاد. متأسفانه مینی بوس حامل امدادگران در مسیر راه، بین جاده بیجار زنجان به درون رودخانه "زرده کمر" سقوط کرد و ۹ نفر از بهترین و عزیزترین انقلابیون جان خود را از دست دادند.

پخش خبر جانباختن این عزیزان غم و اندوه فراوانی را بر شهر سنندج حاکم کرد. در روز خاکسپاری این عزیزان، صد هزار نفر از مردم سنندج و منطقه در یک راه پیمایی یاد آنان را گرامی داشتند و سیاستهای جنگی تازه به قدرت رسیدگان را محکوم کردند. در بحبوحه اوضاع جنگی در کردستان و ترکمن صحرا، از طرف جانوران اسلامی تازه به قدرت رسیده رفراوند جمهوری اسلامی "نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیشتر" که از زبان خمینی جاری

های نامبرده باید دخالت مستقیم داشته باشیم.

فعالین کارگری و عرصه هایی که اشاره کردم باید الگو و راهنمای حق خواهی در جامعه، محیط کار و زندگیشان باشند. گفتگو در رابطه با بی حقوقی، اعتراض به پرداخت نکردن دستمزد، تشکل و اعتراض حق بی چون و چرای نیروی کارکن در جامعه است. اما دولت سرمایه داری و سرکوبگر این گفتمان را ممنوع میکند، فعالین را به ضد انقلاب وصل می کند و برای فعالین جرم سنگین تعیین می کند.

در مدیا و مجامع خودش این را تبلیغ می کند که وضع همین است. ما قدرت نداریم چیزی را عوض کنیم. تاریخ بشری به ما نشان داده است که با اتحاد و برنامه مشخص ما می توانیم با درایت و مبارزه موثر تغییر ایجاد کنیم. من این را قبول ندارم که کسی بگوید ما در ۱۰ سال گذشته نتوانستیم هیچ تغییری در زندگیمان ایجاد کنیم. سرکوب، دستگیری رهبران کارگری (اعدام جمال چراغ ویسی) و تبلیغات آخوندها و خرافات مذهبی برای جلوگیری از این پیشرفت است. چرا سرمایه داری قدرت دارد ما را به کار بگیرد و بیمارستان، راه و پل و مدرسه بسازد؟ اما ما که این همه هستیم چرا نمی توانیم. جوابش ساده است چون قدرت، دولت و نیروی سرکوب و تبلیغات دست آنهاست. ما باید این قدرت را از آنها بگیریم. اما چگونه؟

یک دنیای بهتر بدست خودمان همین امروز امکان پذیر و برای سرمایه داران هزینه ساز است. داستان همین است که نگذارند ما به رفاه و آزادی برسیم. در قرن ۲۱ بشر شایسته چنین زندگی نیست. من خوشبین هستم که با برنامه ای که ما داریم این مهم را بدست آوریم.

فعالین کارگری و عرصه های دیگر باید این روز را به کیفرخواست علیه سیستم سرمایه داری و دولت سرکوبگر سرمایه داری تبدیل کنند و راهها را نشان دهند. تشکل را تقویت کنند و اعتراض و مبارزه را سازماندهی کنند.

پایین ترین هزینه بازتولید می کند. همچنین، ذخیره ای از نیروی ارزان قیمت و انعطاف پذیر از زنان در اختیار دارد تا به این ترتیب، به طور کلی دستمزدها را پایین نگه دارد. ضمن این که، زنان و کودکان را متکی به مردان نان آور فرض می گیرد.

ایسکرا: فعالین جنبش کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر چه نقش و تاثیری بر برجسته تر کردن این روز می توانند داشته باشند؟



سلیمان سیگارچی: روز جهانی

کارگر- اول ماه مه، روز جشن همه کارگران و زحمتکش است. در این روز کارگران در جمع ها و گفتمانهای خود به یاد می آورند که به عنوان یک طبقه کارکن و مولد همه پیشرفتهای صنعتی و تکنولوژیک و بازتولید جامعه انسانی هستند. انسانهایی که بدون کار و زحمت آنها جامعه این رفاه و شادی را به خود نخواهد دید. فرآورده هایی را تولید می کنند مثل خانه، ماشین، مواد خوراکی که هیچ مالکیتی بر آنها ندارد.

فعالین و رهبران کارگری و همه رهبران جنبش زنان، چه در عرصه کار زنان (کار خانگی، ادارات) و چه در عرصه برابری زن و مرد و آزادیهای سیاسی زنان، فعالین زیست محیطی، روشنفکران عرصه برابری حقوق شهروندی، فعالین جنبش آزادیهای سیاسی و سکولاریستی، فعالین جنبش ضد اعدام و طرفدار آزادی زندانیان سیاسی باید به اهمیت مبارزات کارگران و ۹۹ درصدیها واقف باشند. فقط برگزاری جشن اول ماه مه کافی نیست. ما هر روز باید از حقوق مکفی، بیمه بیکاری، مسکن مناسب، تشکل برای احقاق حق کارگران و مبارزه در راه سرکوب و دستگیری فعالین در همه عرصه

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان تهیه و تنظیم: مینا بهروزی



سمانه نوروزمرادی زندانی سیاسی محبوس در لاگان رشت امروز به مرخصی آمد

سمانه نوروزمرادی نیمه دوم شهریور ۹۷ توسط قرارگاه ثارالله سپاه در منزل شخصیش دستگیر شد و بیش از دو هفته در خانه امن سپاه بازجویی شد و نهایتاً با قرار وثیقه آزاد شد و پس از ۸ ماه به بهانه تحویل وسایل ضبط شده در تاریخ ۴ اردیبهشت ۹۸ پس از مراجعه، زندانی شد. او در تاریخ ۵ مرداد ۹۸ به علت شرایط بد عفونت پستان و درد لوپوس مفصلی، درخواست پزشک قانونی نمود که متأسفانه مورد پذیرش قرار نگرفت.

با فوت پدر سمانه و فشارهای عصبی و دیابت و فشار خون در عید ۹۹ به مرخصی آمد و پس از انتشار ویدئویی، پرونده دوم او تشکیل شد و به زندان فراخوانده شد در همین زمان دچار کیست مویی سنگ کلیه شد که تا امروز به آن رسیدگی نشده است. سمانه نوروز مرادی دارای بیماری های متعدد لوپوس مفصلی، کیست مویی، ماستیت گرانول عفونت پستان، دیابت، فشارخون سنگ کلیه، کیست تخمدان و زخم معده و ورم روده است. لازم به ذکر است مرخصی سمانه نوروزمرادی با وثیقه گذاشتن فیش حقوقی یکی از فعالان صنفی حقوق معلمان میسر شد.

انتقال مجدد ناهید تقوی، شهروند دو تابعیتی به بازداشتگاه اطلاعات سپاه

ناهید تقوی، شهروند دو تابعیتی ایرانی-آلمانی دوشنبه ۱۶ فروردین ماه از بند زنان زندان اوین، مجدداً به بازداشتگاه اطلاعات سپاه موسوم به بند دو الف این زندان منتقل شد. ناهید تقوی پیشتر در تاریخ ۲۵ مهرماه ۹۹ توسط مأموران اطلاعات سپاه بازداشت و پس از ۵ ماه از بازداشتگاه اطلاعات سپاه به بند زنان منتقل شده بود. مریم کلارن، دختر ناهید تقوی پیشتر گفته بود که مادر ۶۶ ساله اش از زمان بازداشت طی ۸۰ جلسه و معادل ۱۰۰۰ ساعت تحت

بازجویی قرار گرفته است. انقلاب زنانه ضمن اعلام اینکه اعمال فشار بر روی زندانیان سیاسی و خانواده های آنها قویاً محکوم است و باید مورد اعتراض فعالین در تمام عرصه ها قرار گیرد، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و فعالین در بند که تنها به جرم حق طلبی و اعتراض به حکومت جنایتکار و فاسد جمهوری اسلامی در بند هستند، است. زندانیان سیاسی و فعالین را باید همین امروز آزاد کنید، این یک درخواست نیست یک هشدار است.

یک روز پس از آزادی؛ بازداشت و انتقال مجدد شهلا جهانیان به زندان اوین

شهلا جهانیان، زندانی سیاسی و یکی از امضاکنندگان نامه درخواست استعفا علی خامنه ای، یک روز پس از آزادی از زندان، صبح امروز سه شنبه ۱۷ فروردین ماه بازداشت و به زندان اوین بازگردانده شد. وی روز گذشته با اعلام مسئولان زندان مبنی بر تأیید گواهی عدم تحمل حبس از زندان اوین آزاد شده بود.

خبرها از این قرار است که، "نیروهای امنیتی شهلا جهانیان را از منزلش با ادعای اینکه جهت تکمیل پرونده باید به دفتر قاضی اجرای احکام منتقل شود، به دادسرای اوین بردند. نهایتاً شهلا جهانیان به این بهانه که اشتباهاً بجای زندانی دیگری آزاد شده جهت تحمل ادامه دوران محکومیت به زندان اوین بازگردانده شد."

انقلاب زنانه ضمن اعلام اینکه پرونده های سازماندهی شده علیه فعالین باید فوراً مختومه اعلام شوند، اعمال فشار بر روی زندانیان سیاسی و خانواده های آنها قویاً محکوم میکند و باید مورد اعتراض فعالین در تمام عرصه ها قرار گیرد، آزادی فوری و بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و فعالین در بند که تنها به جرم حق طلبی و

اعتراض به حکومت جنایتکار و فاسد جمهوری اسلامی در بند هستند، خواست فوری ما است.

آزادی مجدد شهلا جهانیان یک روز بعد از حبس مجدد

شهلا جهانیان، زندانی سیاسی طی سه روز متوالی از ۱۶ فروردین ۱۴۰۰ تا ۱۸ فروردین ۱۴۰۰، بازداشت و مجدداً آزاد شد. عباس واحدیان همسر شهلا جهانیان در یک فایل ویدئویی درباره روند این اعمال فشار بر شهلا جهانیان و خانواده وی توضیح داده است.

جمهوری اسلامی با اعمال فشار بر روی فعالین و زندانیان سیاسی سعی بر مرعوب و سرکوب کردن مبارزات جاری در سطح جامعه را دارد، اما علی رغم تمام این سرکوب ها جنبش سرنگونی هر روز بیش از پیش در حال پیشروی و رادیکالتر شدن و بیشتر شدن خشم و نفرت جامعه از این حکومت جنایتکار است.

انقلاب زنانه معتقد است که فعالیت، اعتراض و حق خواهی، تشکل و تحزب حق مسلم تمام انسان هاست، ما از تمام انسانهای آزادیخواه و فعالین عرصه های اعتراضی می خواهیم تا خواست آزادی زندانیان سیاسی را بیش از پیش به پیش برده و به اشکال مختلف به این حکومتی که بنای آن جنایت است اعتراض کنند.

نوخ دیه جنین:

اگر پسر باشد: ۴۸۰ میلیون
اگر دختر باشد: ۲۴۰ میلیون
و اگر جنسیت قابل تشخیص نباشد که جنین دختر است یا پسر: ۳۶۰ میلیون

این بدان معناست که، اگر جنسیت پسر باشد، دو برابر دختر و دو برابر مادر جنین می ارزد و اگر نفهمند دختر است یا پسر باز هم بیشتر از دختر و باز هم بیشتر از زنی که جنین را در رحم خود می پروراند می ارزد!! انقلاب زنانه معتقد است که هنگامی که نابرابری جنسیتی در قوانین و دستورالعمل های اجرایی وجود دارد، خود به معنای صدور مجوز برای اعمال و تشدید خشونت علیه زنان است. با توجه به این که ایران تحت حاکمیت اسلامی و قوانین بر پایه اسلام اداره می گردد، این #شکاف_جنسیتی تشدید می شود. این شکاف در

قوانین مدنی و خانواده دو چندان است. ارزش شهادت، حق دیه و حق الارث نصف، تنها نمونه ای از این شکاف و نابرابری است. با نگاه کوتاهی بر وضعیت زنان در ایران خشونت های پنهان و آشکاری قابل مشاهده است که از دستاوردهای قانون اساسی جمهوری اسلامی علیه زنان است که خود الگوی خشونت های پنهان و آشکار خانگی و خیابانی در جامعه و در سطح کلان است. اسلام و تمامی مذاهب، ضد زن و نر محور هستند و هیچ ارزشی برای زنان و برابری و انسانیت قائل نیستند.

زنی که در قوانین جاری در کشورش، ارزشش نصف مرد است! زنی که امضایش در سند ازدواج لازم است، اما حق طلاق ندارد! زنی که حتی نیازی به امضای او در سند طلاق نیست! چگونه رای او برابر با مرد است؟ تنها راه رهایی جامعه و زنان سرنگونی جمهوری اسلامی است، همین امروز

نگرانی خانواده آتنا دائمی از وضعیت وی در زندان لاگان رشت

حسین دائمی پدر آتنا دائمی در صفحه شخصی توئیتر خود از وضعیت نابسامان آتنا در زندان لاگان رشت چنین نوشت: "در تاریخ ۲۷ اسفند ۹۹ دخترم را از زندان اوین به زندان لاگان رشت تبعید کردند بیست روز از تبعید آتنای من گذشته و هنوز دخترم در قرنطینه هست چرا؟"

زندان لاگان رشت از جمله زندانهای هست که تفکیک جرائم صورت نمی گیرد و از طرفی باتشدید شدن ویروس کرونا همچنان ورودیهای جدید اضافه میشود،

انقلاب زنانه جمهوری اسلامی را برای بیش از چهارده اعمال شکنجه و فشار بر روی زندانیان سیاسی و خانواده های آنها محکوم کرده و ضمن اعلام اینکه اعمال هر گونه فشار، خشونت، تجاوز و شکنجه زندانیان را مصداق علنی نقض حقوق انسانی میدانند و جمهوری اسلامی مسئول مستقیم این گونه رفتارهای ضد انسانی است، خواستار محاکمه سران جمهوری اسلامی در دادگاههای عادلانه بین المللی میباشد و همچنین خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمام فعالین و زندانیان سیاسی میباشد.

رها عسکری زاده فعال حقوق زنان و عکاس برای اجرای حکم به دادسرای اوین احضار شد.

رها عسکری زاده به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق اجتماع و تبانی به ۲ سال زندان تعزیری، ۲ سال منع فعالیت در مطبوعات، فضای مجازی و گروه ها و احزاب سیاسی و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. رها عسکری زاده برای گذراندن محکومیت ۲ ساله خود به شعبه اجرای احکام شهید مقدس فراخوانده شده است.

انقلاب زنانه خواستار مختومه اعلام کردن تمام پرونده های سازماندهی شده علیه فعالین میباشد همچنین آزادی فوری و بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و فعالین در بند که تنها به جرم حق طلبی و اعتراض به حکومت جنایتکار و فاسد جمهوری اسلامی در بند هستند، را خواستاریم.

زندانین سیاسی و فعالین را باید همین امروز آزاد کنید، این یک درخواست نیست یک هشدار است.

رقص، شادی و پایکوبی بخش جدا نشدنی از زندگی و حق طبیعی همه انسان ها است

یک زن جوان روز چهاردهم فروردین در میدان شهر ری و نزدیک کیوسک نیروی انتظامی به بالای خودروی خود رفته و شروع به رقصیدن کرده. رقص، شادی و پایکوبی بخش جدانشدنی از زندگی و حق طبیعی همه انسان ها می باشد

جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه عمر ننگینش سعی بر ترویج فرهنگ عزا و غم داشته، هیچ نوع موسیقی جز مرثیه و نوحه خوانی را تحمل نمیکند، رقص و شادی برای این حکومت و ارکان آن تهدید محسوب میشود خصوصاً اگر زن باشی!

همچنین رقص و پایکوبی یک ابزار مبارزه با حکومتی است که تلاش کرده با فرهنگ عاشورایی و دفاع مقدسی و اعدام و کشتار، غم و اندوه را به مردم تحمیل کند.

انقلاب زنانه ضمن حمایت از حرکت جسورانه این زن جوان از تمام انسانهای آزادیخواه و برابری طلب دعوت میکند تا با تکیه رقص و پایکوبی به مبارزه با حکومتی که



نگاه هفته

تهیه کننده پروین معادی

به پاس حضور بازنشستگان سنندج در اعتراضات سال جاری

در سومین تجمع اعتراضی بازنشستگان در سال جاری (یکشنبه های اعتراض) بازنشستگان سنندج هم حضور فعال دارند. شرکت بازنشستگان سنندج در اعتراضات سراسری اقدامی بجا و خوشحال کننده است. هزاران بازنشسته در شهرهای مختلف کردستان با مشکلات فقر و گرانی و بی حقوقی دست و پنجه نرم میکنند. دست فروشی، کولبری و رانندگی در سن بازنشستگی شغل های دوم و سوم بازنشستگان در کردستان هستند. معیشت هشتاد درصد از بازنشستگان در ایران رنج آور و تلخ است. در جوامع بین المللی بازنشستگی آغاز دوره ای دیگر در ادامه دوره کار مفید و تلاش بیش از ۳۰ سال کار است. دوره ای از ادامه زندگی است که مورد بیشترین احترام و حمایت قرار میگیرند، دوره پختگی است، دوران کمال فکری است. در ایران اما اقتصاد ویران و بحران مالی و اقتصادی، زندگی هشتاد درصد از بازنشستگان را به تباهی و دوندگی برای تامین معیشت کشانده است. دولت و نهادهای وزارت کار و اجتماعی بجای احترام و تامین زندگی شایسته دوره بازنشستگی معیشت میلیون ها نفر از بازنشستگان را تلخ کرده اند. شاخص رفاه در ایران در بدترین شرایط قرار دارد. سقوط شاخص رفاه بر روی معیشت و رفاه و امکانات بهداشتی، دارویی، پزشکی، مراقبت و خدمات اجتماعی، گردش و تفریح تاثیرات مستقیم خود را دارد. کودکان و بازنشستگان آسیب پذیرترین قشر هستند. هر روز بر میزان کودکان خیابانی افزوده میشود و سطح معیشت بازنشستگان بد و بدتر شده است. با وجود مشکلات عدیده و سختی های معیشتی در زندگی روزانه، اما، بازنشستگان با روحیه ای اعتراضی و مبارزاتی علیه وضع موجود بپا خواسته اند. مبارزه میکنند و یک بخش معترض جامعه هستند و بارها و بارها در

رابطه با سطح نازل مستمری خود تجمعات اعتراضی بر پا کرده اند. در چند سال گذشته هزاران بازنشسته در سطح کشوری در تهران و ده ها شهر بزرگ بشکل پیگیر و مداومی دست بمبارزه زده اند. خیابان ها با تجمعات مبارزاتی بازنشسته های کشوری محل ملاقات و اعتراض آنها بوده است. بازنشستگان شهرهای سقز، بانه، مریوان، کامیاران، مهاباد، بوکان و... را به شرکت فعال در اعتراضات سراسری دعوت میکنم. و آنها را فرا میخوانم دست در دست کانون های بازنشستگان کشوری برای تقویت سراسری کردن اعتراضات گام بردارند. امروز عرصه مهم و میدانی تقویت اعتراضات در کردستان حمایت و پیوستن به اعتراضات سراسری در عرصه های مختلف کارگری، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان است. فعالین کارگری و خانواده های کارگران و بازنشستگان نقش مهمی در تقویت اعتراضات دارند.

پیام تبریک بمناسبت آزادی جعفر عظیم زاده

روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ مطلع شدیم که جعفر عظیم زاده کارگر زندانی با سپری کردن احکام صادره از زندان آزاد شد. ما آزادی جعفر عظیم زاده را به خانواده و همه کارگران ایران تبریک می گویم و خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی هستیم. از طرف عثمان اسماعیلی و محمود صالحی

آمار کولبران که در سال ۱۳۹۹ با شلیک نیروهای چنایکتار حکومت اسلامی جانباخته اند.

طبق اخبار منتشر شده؛ طی سال ۱۳۹۹ دست کم ۲۳۸ کولبر که ۶۷ نفر از آنها جانشان را از دست داده اند. ((جانباختن صدها کارگر در سال، و ده ها کولبر عملاً بمعنی جنگ نظام اسلامی و کارفرماها، علیه بخش مشخصی از جامعه است. علیه طبقه کارگر. طبقه کارگر در ایران نباید چنین موقعیت نا امن و پر خطری را قبول

کند. باید با گسترش اعتراضاتمان کارفرما ها و دولتشان را وادار کنیم تا بالاترین استانداردهای بین المللی از نظر امنیت را در محیطهای کار برقرار کنند. شلیک به کولبران متوقف شود. و به کارگران بیکار حقوقهای مکفی بیمه های بیکاری پرداخت شود)).

ناامنی محیط کار و جانباختن کارگران مرگ یک کارگر در سنندج

۲۳ فروردین ۱۴۰۰ در هنگام حفاری چاه فاضلاب در شهرک ارشاد سنندج، بر اثر ریزش سه نفر کارگر که مشغول کندن چاه فاضلاب بودند زیر خاک گرفتار شدند که دو نفر از آنان نجات یافتند اما یکی از کارگران که به عمق ۴/۵ متری جابه سقوط کرده بود جانش را از دست داد.

سقوط مرگبار کارگر ساختمانی ۲۵ ساله اهل اهواز در چاهک آسانسور

رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی اهواز: کارگر ساختمانی ۲۵ ساله از طبقه هفتم ساختمان در حال ساخت به داخل چاهک آسانسور سقوط کرد و جان باخت.

محکومیت دو تن از معترضین آبان ماه ۹۸

جلال نامداری از کرمانشاه و سعید خالدي از پاره به اتهام شرکت در اعتراضات آبان ماه ۹۸ کرمانشاه (نوامبر ۲۰۱۹) توسط شعبه یکم دادگاه انقلاب کرمانشاه محاکمه و به حبس محکوم شده اند. بر طبق حکم صادره، جلال نامداری از بابت "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران به ۵ سال حبس و از بابت "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم" به واسطه شرکت و تشویق مردم برای شرکت در اعتراضات آبان ماه به ۳ سال حبس محکوم شده است که بر طبق قانون تجمیع احکام اشد مجازات عینی حکم ۵ سال حبس قابل اجرا است.

همچنین، سعید خالدي، از بابت "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق همکاری با گروهی مخالف نظام به ۴ سال حبس و از بابت "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس محکوم شده است که ۴ سال آن قابل اجرا است. ((کمپین برای آزادی زندانیان

خطاب به مقامات قضایی و اجرایی کشور آزادی بیان و آزادی قلم جرم نیست

ما نویسندگان، شاعران و اهالی مستقل قلم و فرهنگ، مصرانه خواستار آزادی قلم و بی قید و شرط بکتاش آبتین، رضا خندان مهابادی، کیوان صمیمی، کیوان باژن و سایر نویسندگان و فعالان فرهنگی در بند هستیم. با توجه به اخباری که از شیوع بیماری کرونا در زندان اوین و ابتلای برخی از همکاران در بندمان به این بیماری منتشر شده است، مسئولیت تام و تمام حفظ جان و سلامتی آنان را بر عهده شما می دانیم. در این شرایط وخیم، به مرخصی فرستادن زندانیان سیاسی و عقیدتی، خصوصاً نویسندگان در بند، کمترین اقدامی بود که شما در راستای صیانت از جان ارزشمند همکاران ما می توانستید انجام دهید. اکنون که متأسفانه بکتاش آبتین درگیر بیماری مهلك کرونا شده است، با یقین بدین موضوع که درمان او باید حتماً در خارج از محیط زندان پیگیری و انجام شود، از شما (قوه قضاییه، دولت و سازمان زندان ها) می خواهیم تا پیش از وقوع فاجعه ای جبران ناپذیر، او و دیگر یاران اهل قلم در بندمان را به فوریت آزاد کنید! بکتاش آبتین و یارانش، چشمان بینای فرهنگ این سرزمین هستند و هرگونه آسیب به جان و سلامت آنان، لطمه ای گران به پیکره ی فرهنگ این مرز و بوم به شمار می آید.

در پایان، امیدواریم همه دگر اندیشان، فعالان فرهنگی مستقل و نویسندگان آزادی خواه، که جرمی جز باور راسخ به آزادی بیان و آزادی قلم ندارند، هر چه زودتر از حبس و بند ناروا رهایی یابند و به آغوش خانواده ها و دوستانشان بازگردند.

بکتاش آبتین و دیگر اهالی قلم را آزاد کنید.*

۵/۲۱

خواست تامین معیشت و رفاه همگانی، خواستی بر حق و انسانی!

بر افراشتن پرچم تامین معیشت همگانی خود یک عرصه مهم مبارزه برای بزرگ کشیدن حکومت دزدان و جانیان اسلامی در ایران است.

به مقامات ذیربط دولت ترکیه رونوشت به کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل در باره خطر اخراج ۵ پناهجوی ایرانی ساکن ترکیه

به مقامات ذیربط دولت ترکیه
رونوشت به کمیساریای عالی
پناهندگی سازمان ملل
موضوع: در باره خطر اخراج ۵
پناهجوی ایرانی ساکن ترکیه

با عرض سلام

آن‌ها محافظت کنند و دیپورت آنها،
خلاف قانون و حقوق بین‌الملل است.
همه این پنج پناهجو از فعالین
سیاسی و اجتماعی شناخته‌ای
هستند که برای نجات جان‌شان از
جهنم جمهوری اسلامی گریخت‌اند و
در ترکیه تقاضای پناهندگی کرده
اند و رسماً نیز بعنوان پناهجو
شناخته شده‌اند.

دیپورت این پناهجویان به ایران
خطرات جانی و یا حبس‌های طولی
المدت برای آنها به‌همراه خواهد
داشت. همچنانچه دیپورت محمد
رجبی و سعید تمجیدی به ایران در
دسامبر ۲۰۱۹ یعنی دو تن از
معترضین نوامبر ۲۰۱۹ که برای
نجات جان خود به ترکیه گریخته
بودند منجر به این شد که حکم
اعدام علیه آنها در ایران صادر شود.

مطلع شده ایم که پنج پناهجوی
ایرانی ساکن ترکیه به نام‌های زینب
صحافی، لیلی فرجی، افشین
سهراب‌زاده، محمد پوراکبری
کرمانی و اسماعیل فتاحی از سوی
مقامات امنیتی ترکیه دستگیر
شده‌اند و با خطر اخراج به جمهوری
اسلامی روبرو هستند. اخبار رسیده
به ما حاکی از بدرفتاری مأمورین
پلیس دولت ترکیه با بازداشت
شدگان و عدم رسیدگی به وضع
سلامتی آنها است.

لذا ما اکیدا از شما می‌خواهیم
که بی‌درنگ حکم دیپورت این
پناهجویان را لغو کنید و جان و
سلامتشان را به خطر نیندازید.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران
زندانی (FreeThemNow)

۲۴ فروردین ۱۴۰۰ - ۱۳
آوریل ۲۰۲۱

نه بازداشت این پناهجویان و نه
بدرفتاری به آنها و نه دیپورت این
پناهجویان به جمهوری اسلامی
ایران بهیچوجه قابل قبول نیست. لذا
از شما می‌خواهیم که شرایط آزادی
این پناهجویان را هر چه زودتر فراهم
آورید.

طبق قوانین شناخته شده بین
المللی که دولت ترکیه نیز آنها را
پذیرفته است وقتی افرادی در کشور
خود تحت پیگرد سیاسی قرار دارند
و جان‌شان در خطر است، مسئولان
آن کشور وظیفه دارند که از جان

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

از صفحه ۵ اخبار و گزارشات هفتگی ...

طور مداوم و با سرعت از بین
میرد.

انقلاب زنانه ضمن حمایت از
حق سقط جنین باور دارد آزادی
سقط جنین و کنترل زنان بر بدن
خود حق مسلم تمام زنان است و
البته جنین ارزشمند است و تحت
فشار اقتصادی ممکن است سقط
جنین رخ دهد اما مدام می‌که زنان
به هر دلیل نخواهند به حاملگی
ادامه دهند باید این حق را داشته
باشند تا به آن پایان دهند که البته
این وظیفه دولتهاست که تمام
شرایط را از لحاظ پزشکی و روحی
برای زنان محیا سازند.

سقط جنین امن حق مسلم زنان
است.

حکومتی که تا کنترل زهدان
زنان هم پیشروی کرده تنها و تنها
لایق سرنگونی است.*



"بر اساس طرح جدیدی که
نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی
تصویب کرده‌اند، در صورت تایید
شورای نگهبان ازین پس شورایی
متشکل از دو فقیه، یک قاضی و
چند پزشک باید سقط جنین پس از
غربالگری را تایید کند و تصمیم
مادر تعیین‌کننده نخواهد
بود." ماجرا به همین نکته ختم نمی
شود بلکه طرح «جوانی جمعیت»
طرحی که ده سال توسط شخص
علی خامنه‌ای پیگیری میشود که
در این طرح ممنوعیت فروش
قرص‌های پیشگیری در داروخانه‌ها
بدون نسخه خارج کردن «سلامت
مادر» از اولویت پزشک تشدید
جرم‌نگاری سقط جنین و...

نمونه‌هایی از آن است تا نهایتا
بنا دارد حقوق میلیون‌ها زن بر
کنترل رحم خود را به نیم قرن عقب
تر پرت کند. تمام رویکردی که
حکومت جمهوری اسلامی به زن
دارد زن ستیزانه ضد علمی و با
اهداف ایدئولوژیک دینی و نظامی
است. جمهوری اسلامی مدام در
ارتجاع و عقبگرد رکورد میزند و
حقوق انسانی زنان و تمام مردم را به

زهره سرو، زندانی سیاسی پس از اجرای حکم شلاق به مرخصی اعزام شد

زهره سرو زندانی سیاسی روز
۱۶ فروردین‌ماه پس از اجرای حکم
شلاق در پرونده‌ای که پیشتر با
پرداخت جزای نقدی مختومه اعلام
شده بود، به مرخصی اعزام شد.
اجرای حکم شلاق زهره سرو پیش از
خروج از زندان با تهدید به جلوگیری
از اعزام به مرخصی اجرا شده است.
انقلاب زنانه ضمن انزاجار و
محکوم کردن این عمل وحشیانه و
تمام اعمال وحشیانه و شکنجه‌ای
که توسط حکومت جمهوری
اسلامی بر روی فعالین و زندانیان
سیاسی اجرا میشود معتقد است
تنها راه متوقف کردن این اعمال
ضد انسانی سرنگونی جمهوری
اسلامی است.
تبعیض و خشونت علیه زنان و
دختران.

به مصادره در آمدن بدن زنان توسط حکومت جمهوری اسلامی

از صفحه ۴

حاکمیت شورایی در کردستان...

خواست اصلی رهبران و فعالین
جنبش کارگری و دیگر جنبشهای
اجتماعی در سراسر کشور است.
آنچه که طی سالهای اخیر به افق و
چشم انداز جنبش کارگری و دیگر
جنبش‌های اعتراضی در جامعه
ایران تبدیل شده است، حاکمیت
شورایی در تمامی سطوح مختلف
زندگی مردم است. در انقلاب پیش
رو کارگران و مردم با اتکا به
ساختار شوراهای حاکمیت شورایی،
بساط ارتجاع اسلامی، باندها و
دسته جات غارت و چپاول دست
رنج و هستی مردم را جارو خواهد
کرد.

دارودسته‌های سرکوب این بود که
شورای شهر سنندج و دیگر
شوراهای مردم پا نگیرند. آنها
خوب می‌دانستند که اگر در یک
فاصله زمانی نسبتا کوتاه مدت
شوراهای به عنوان نهادهای اعمال
اراده توده مردم جاگیر شده و خود را
به اثبات برسانند، بساط اسلامی
خمینی و دولت موقت نیز با اراده
مردم قیام کنند در همه جا با
چالش جدی روبرو خواهد شد و قیام
و انقلاب مردم این بختک تحمیل
شده اسلامی را همچون رژیم
شاهنشاهی جارو خواهد کرد.

امروز و بعد از گذشت ۴۳ سال
از حاکمیت ارتجاع اسلامی،
ساختار اداره امور از طریق شوراهای

مطالبات انقلاب مردم بود که می
رفت تا به الگویی برای مابقی
شهرهای کردستان و دیگر شهرهای
سراسر کشور تبدیل شود. اقدامات
دولت موقت، ترفندهای جریان
مرتجع محلی مفتی زاده، ایجاد
فضای جنگی از سوی سپاه تازه
تاسیس شده پاسداران به همراهی
ارتش دست نخورده شاهنشاهی در
کردستان، همگی در یک جبهه علیه
دستاوردهای قیام مردم و علیه
شوراهای بخت شده بودند.

نهایتا در ۲۸ مرداد سال ۵۸ و
با فرمان قتل عام خمینی علیه
مردم کردستان، عمر شورای شهر
سنندج نیز به پایان رسید. تمام هم و
غم خمینی، دولت موقت و دیگر

۲۴ فروردین ۱۴۰۰

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!